

نقد و تحلیل حول المنجد فی الاعلام

کتابی است در ۱۷۶ صفحه از انتشارات دانشگاه اصفهان که تازه منتشر شده و برای کسانی که جهت حاشیه نویسی از کتاب «المنجد» و قسمت اعلام آن استفاده می کنند بسیار سودمند است .

مؤلف کتاب آقای دکتر کمال موسوی استاد یار دانشگاه اصفهان پیش از این نیز کتابی به نام «فرهنگ روز» تألیف کرده است مشتمل بر آن دسته از لغات هر بی که این روزها در روزنامه ها و رادیوهای عربی به کار می رود و به معنای اصطلاحی جدید یافتن آنها در کتابهای لغت قدیمی غیر ممکن است. آن کتاب نیز جایش در زبان فارسی خالی بود و از جایزه سلطنتی هم بهره مند شد .

در کتاب حاضر مؤلف اشتباهات و اغلاط فراوانی را که در اعلام المنجد آمده است نشان داد و در بسیار جاها علاوه بر این غلطگیری ، با رجوع به منابع گوناگون فارسی و عربی ، مطالبی را در تأیید نظر اصلاحی خود آورده است که خواننده را از آنها فواید بسیار حاصل می شود .

برای آنکه خواننده بهتر از کار مؤلف آگاه شود ، بعضی ، از غلطهای المنجد را که مؤلف اصلاح کرده است در کنار کلمه درست آنها (در داخل پرانتز) می آورم .

۱- از اسامی جغرافیایی

آذری (آذری ، زبان آذربایجان) - استراباز (استراباد) - جرجان با فتح جیم اول (جرجان) - بابول (بابل) - بارقوروش (بارفروش) - بذخشان بر وزن کهکشان (بذفشان) - بسطام با ضم با (بسطام) - بوروجیرد (بروجرد) - افنستان (افغانستان) - خوی (خویه) - خازرون (کازرون) - قرم (قم) - شیر (شیز) - عورنق آباد (اورنگ آباد) - برجند با فتح با (بیرجند) .

۲- از کلمات عربی و فارسی و فرنگی

یزن بن مهلب (یزید بن مهلب) - جعفر صدیق با تشدید (امام جعفر صادق) - زورواستر (زرادشت) - بروزنامه (برزنامه) - بهمن با ضم با و میم (بهمن) - فولفغانغ (ولفغانغ) - بلد سناعی (بلدصناعی) - الجواهر المکنون فی صدق الثلاثة فنون (.. فی صدف ..) تاریخ جهان شاه (تاریخ جهانگشا) - حافظ آبرو (حافظ آبرو) - حبیب السیاد (حبیب السیر) حمیدی با ضم حا و فتح میم (حمیدی صاحب مقامات) - سفینائی اولیا (سفینه الاولیاء) - درد با فتح دال و را (درد) - تهذیب المنطق و القلم (... و الکلام) - عمار بن یسار (... یاسر) سیبهر (سپهر ، سپهر) - ستان (بوستان سعدی) - غولستان (جلستان ، گلستان سعدی) - مهتار

(مهرت) - شاهریار (شهریار) - شیدی ملا (ملاشیدا) - درغام (ضرغام) - خرزمی (خوارزمی) فومانی (فومنی) - تاریخی جیلان (تاریخ جیلان) - الکنصر (ایلیک نصر) - عرفی با فتح عین (عرفی) - علمانیة = Laicism با کسر عین (علمانیة با فتح عین) - غلشنی با ضم غین و لام (غلشنی، گلشنی) - فرهد (فرهاد) - الفصل فی .. با فتح فا و سکون صاد نام کتاب این- حزم (الفصل با کسر فا و فتح صاد) - قاسمی انور (قاسم انوار) - قاعانی و قعانی (قآنی) کتابی پریشان (کتاب بریشان ، پریشان) .

۳- انواع غلطهای دیگر

- ۱- زردشتیان مقیم هند را با زبانهای فرنگی Parsis یعنی پارسیان می گویند و حرف S آخر کلمه علامت جمع است . درالمنجد این کلمه به صورت نا مفهوم بارسیس آمده است.
- ۲- در لغت «پولی» ولفگانگ پاولی اتریشی را که مدتی در سوئیس تدریس می کرده است سوئسی خوانده است .
- ۳- در ماده «تالش» نوشته است که جزئی از گیلان واقع در جنوب بحر خزر و متعلق به روسیه است .
- ۴- ابن ابی الحدید سنی معتزلی را از ادبای شیعه نوشته است .
- ۵- «دهقان» را مردمی معنی کرده است که در بلوچستان و جنوب افغانستان زندگی می کنند و به زبان فارسی سخن می گویند .
- ۶- به کج اندیشیهای نویسنده المنجد درباره نامیدن خلیج فارس به صورت خلیج عربی ، آقای دکتر موسوی مفضلا با استناد به منابع قدیم فرنگی و عربی جواب داده است (صفحات ۴۹-۳۸) ؛ و نیز چنین است در مورد دانشمندان ایرانی همچون رازی و ابن سینا و بیرونی و غیره که صاحب المنجد آنان را عرب خوانده و نویسنده کتاب مورد بحث آنچه در این باره لازم بوده گفته است . و نیز چنین است در مورد سلطان محمود غزنوی که در المنجد نام او ضمن فاتحان عرب آمده است .
- ۷- مؤسس نظامیه بغداد را ابواسحاق شیرازی نوشته است .
- ۸- شیرازی و صدرالدین را که مقصود از هر دو ملا صدرا می معروف خودمان است دو کس تصور کرده و در این دوماده دو شرح حال آورده است .
- ۹- و نیز چنین است در دو ماده «عمر بن اللیث الصفاری» (بدون واو پس از عمر) و «الیث عمر و بن- الصفار» .
- ۱۰- در ماده «فروخی» (فرخی) ترجمان البلاغه را دیوان او خوانده است .

* * *

برای اطلاع بیشتر خوانندگان باید بگویم که اکثر این غلطهایی که در المنجد پیدا شده ، در درجه اول نتیجه کم سواد مترجمان از منابع فرنگی است و در درجه دوم از بیدقتی در خواندن اسامی بدان صورت که مستشرقان کلمات خارجی را بنا بر قراردادی به حروف لاتینی بر میگردانند حاصل می شود . به تازگی در یکی از روزنامهها ضمن اخبار نام

شهری به نام «ماراس» در ترکیه آمده بود که این همان «مرعش» است که دارندگان نام خانوادگی «مرعشی» در سرزمین ما فراوانند. چندی پیشتر در ضمن گزارش حضرات باستانشناختی سیستان از محلی به نام «کالاهی نو» سخن رفته بود که چیزی جز «قلعه نو» نیست و مترجم بیسواد و بیدقت آن را بدان صورت درآورده بود.

در تبدیل حروف مصوت و صامت عربی و فارسی (و دیگر زبانهای غیر اروپایی) میان خاورشناسان قراردادهایی هست از جمله اینکه فتحه و ضمه و کسره را با a و u و i نشان می‌دهند و اگر روی این حرف خطی افقی باشد علامت آ و او و ای است و همین سبب می‌شود که مثلاً آدم بیدقتی «بهمن» را «بهمان» بخواند یا بروجرد را «بوروجیرد».

دیگر اینکه چون فرنگیها عموماً اصواتی معادل با همزه و عین ندارند، به جای آنها نیم دایره کوچکی بالاتر از محل دیگر حروف قرار می‌دهند که اگر گشادگی آن به طرف راست باشد علامت عین است و اگر به طرف چپ باشد علامت همزه. کمسواد و توجه نکردن به همین قاعده ساده است که نویسنده المنجد و نظایر او مثلاً «اورنگ آباد» را «عورنگ آباد» بخواند و به صورت عربی شده «عورنقا باد» ضبط کند.

و نیز برای آنکه نشان داده شود چگونه مختصر کردنهای بیقاعده سبب پیدا شدن غلطهای بزرگ می‌شود، در دوسه غلطی که آقای دکتر موسوی از المنجد گرفته بیشتر دقیق شدم و به دایرة المعارف اسلام که ظاهراً مهمترین مرجع نویسندگان المنجد بوده است رجوع کردم و آنچه حاصل این رسیدگی بوده چنین است:

۱- در ماده «اشنه» (به فتح الف و نون) نوشته است که «بخش و شهری در آذربایجان است و از آثار آن کلیسای سرکیس و باخوس در نزدیکی ملطیه است که مسلمانان و مسیحیان هر دو آن را محترم می‌شمارند».

در دایرة المعارف اسلام چاپ اول درباره همین کلمه که درست به صورت اشنوی امروزی آمده، مقاله‌ای است در ۱۰۳ سطر به قلم مینورسکی. در ضمن این مقاله گفته شده است که نام آرامی آن اشنخ و اشنه بوده است و نیز اشاره‌ای کرده است به این که سابقاً در اشنو مسیحیانی زندگی می‌کرده‌اند و یکی از این اشخاص کلیسای سرگیوس و باکخوس را در نزدیکی ملطیه (ترکیه) بنا کرده بوده است.

۲- در ماده بدخشان المنجد آمده است که در تاجیکستان شوروی است و کرسی آن فید [کذا] آباد.

در دایرة المعارف اسلام چاپ جدید نزدیک ۵۰۰ سطر درباره بدخشان نوشته شده و در آنجا آمده است که آن قسمت از ناحیه بدخشان که لعل معروف از آن به دست می‌آمده اکنون جزو تاجیکستان است و خود بدخشان و مرکز آن فیض آباد جزئی از افغانستان.

۳- در ماده «استرآباد» المنجد آمده است که «این شهر را به علت وجود سنیانی که مورد ظلم قرار گرفته بودند دارالمؤمنین نامیده‌اند».

این نام دارالمؤمنین، چنانکه می‌دانیم، از نامهای جدید است و هیچ ربطی به شیعه و سنی ندارد. بلی در دایرة المعارف اسلام، ریچارد فرای نویسنده مقاله استرآباد، حدس

زده است که دادن لقب دارالمؤمنین به استرآباد شاید به علت وجود سادات فراوان در این شهر بوده است و مترجم المنجد سادات را سنیان خوانده و ستمکشی آنان را از خود افزوده است .
۳- در دایرة المعارف اسلام ، ضمن شرح حال یفمای جندقی نوشته است که در اشعار خود کلمات عربی زیاد به کار نمی برده و در بعضی از نامه های مصر بوده است که تنها کلمات فارسی را استعمال کند .

این گفته در المنجد به این صورت تحریف شده است که «یفمای جندقی را دیوانی است که اشعار آن منحصرأ با کلمات فارسی و خالی از عربی سروده شده است» .

* * *

امیدوارم این طول و تفصیل در معرفی کتاب ، اولاً سبب آن باشد که پژوهندگان عربیدان کتاب نفیس آقای دکتر موسوی را فراهم کنند و از آن استفاده ببرند ، و ثانیاً مترجمان از منابع فرنگی در مورد کلماتی که ریشه شرقی دارد و به خط فرنگی نوشته شده ملاحظه بیشتری داشته باشند تا یکی دو غلط از این قبیل ها که در آثارشان دیده می شود سبب آن نباشد که خوانندگان آثارشان اصلاً از توجه به آنها منصرف شوند .

قتل هام ارمنیان

در دوران سلاطین آل عثمان

نوشته اسماعیل رائین - مصور و چاپ مرغوب - بها هجده تومان - در کتابفروشی ها .

صهیونیسیم در فلسطین

تصنیف صبری جریس عربی از تبه اسرئیل . ترجمه منوچهر فکری ارشاد . بامقدمه ای از الی لوبل فرانسوی .
تألیفی است تحقیقی و مفید . از انتشارات طوس . بها ده تومان .

آن سوی چشم انداز

مجموعه ای از آثار نظمی کاظم سادات اشکوری به سبک نو . بنگاه نمونه - طهران - بها چهار تومان .

بیدل شناسی

در احوال و اشعار شاعر معروف افغانستان عبدالقادر بیدل (۱۰۵۴ - ۱۱۳۳ هـ . ق)
تألیف یوهاند غلام حسن مجددی افغانی - عموم اهل ادب و شرمی باید این کتاب را بخوانند و نگاه دارند . (جلد اول انتشار یافته و جلد دوم هم دارد .)

تصحیح

صفحہ	۱۴۰	سطر	۲۷	قسم
ء	۱۴۷	ء	۳	نالها